



چارتر باطمینان
گل گاوزبان

کانال فیک فردوسی و سفر سعدی با چارتر

صفحه ۱۱



یار بنا یا روزه

مصاحبه با چند روزه خوار در ملاعام

صفحه ۶



جاخالی دادم، لعنتی نشوم!

گفت و گو با علی زکریایی

صفحه ۶



ویژنامه هفتگی طنز راه
کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی
@tanzym
rahrahtanz.ir

چهارشنبه‌ها بخوانید

درباره حال و هوای این روزهای بعضی‌ها

آخ جون... چاه!



محمد رضا شهبازی

خدا اموات شما را هم بیمارزد، پسرخاله‌ای داشتیم که آدم عجیبی بود. البته هنوز هم هست، یعنی هنوز هم زنده‌است. یکی از بدبختی‌های فامیل ما دعوت کردن او به میهمانی‌ها بود. البته این بنده خدا معمولاً همه جا بدون دعوت می‌رفت و منتظر دعوت نمی‌شد. اما به هر حال اینکه این بنده خدا قرار است به میهمانی بیاید، میزبان بیچاره را به هول و ولا می‌انداخت. به محض بالا رفتن احتمال حضور او، موز از سبد میوه‌های میهمانی حذف می‌شد. پسرخاله عادت داشت تا موز می‌دید سریع یکی برمی‌داشت و می‌خورد و پوستش را می‌انداخت زمین و پایش را می‌گذاشت رویش تا لیز بخورد و نقش زمین شود! اول فکر می‌کردیم به خوردن موز علاقه دارد و حالا به‌عنوان یک فعالیت جنبی با پوستش این کار را می‌کند، اما کم‌کم فهمیدیم که خود موز برای او بهانه است و اصل همان پوستش است. شده بود موز را پوست می‌کند و محتویاتش را می‌انداخت دور و بعد با پوستش لیز می‌خورد و... علاقه بر موز هرگونه طنساب و نخ‌کی که قابلیت آویزان شدن از آنها وجود داشت هم به انباری می‌رفت. حتی به میهمان‌ها خبر می‌دادند که مراقب باشند گوشه لباس‌شان نخ‌کش نشده باشد که هیچ بعید نیست پسرخاله از همان یک تکه نخ آویزان شود. میزبان بیچاره به همین‌ها هم اکتفا نمی‌کرد و برای اطمینان یک نفر را با قیچی می‌گذاشت دم در که میهمان‌ها را واریسی کند و نخ‌های اضافی لباس‌شان را بچیند. چون پسرخاله تا نخ و طناب آویزانی می‌دید سریع به آن چنگ می‌زد و بعد از اینکه تالایی می‌خورد زمین، قاه قاه می‌خندید. میهمانی باید در یک جای مسطح برگزار می‌شد و گرنه پسرخاله بادیکن کوچک‌ترین ارتفاعی از آن بالا می‌رفت و بعد جوری خودش را پرتاب می‌کرد و کف زمین قل

می‌خورد که انگار از ارتفاع چند هزار متری سقوط آزاد کرده و چترش باز نشده. پسرخاله کلاً زمین خوردن را دوست داشت. «سندروم زمین‌خوردگی پسندی» اسمی بود که دکترها روی بیماری پسرخاله گذاشته بودند. دکترها می‌گفتند پسرخاله از خود زمین خوردن خوشش می‌آید بنابراین تلاش برای اینکه به او بفهمانید آویزان شدن از طناب پوسیده یا پا گذاشتن روی پوست موز باعث زمین خوردن می‌شود کار بیهوده‌ای است. او می‌داند و به همین دلیل هم این کارها را می‌کند.

بیماری پسرخاله به‌رغم همه تمهیداتی که میزبان‌ها می‌چینند روز به روز وخیم‌تر می‌شد. اگر طناب پوسیده‌ای گیر نمی‌آورد از لامپ آویزان می‌شد و طبیعتاً لامپ بیچاره هم نمی‌توانست وزن او را تحمل کند. اگر پله‌ای نمی‌دید یک چیزی پیدا می‌کرد و زیر پایش می‌گذاشت و از آن می‌رفت بالا و... پسرخاله حتی دیگر کاری نداشت که در میان میوه‌های میهمانی موز هست یا نه، چون خودش همیشه یک موز همراهش داشت؛ حتی وقتی موز گران شده بود و نمی‌توانست بخرد، یک پوست موز را در جیبش می‌گذاشت و به میهمانی‌های مختلف می‌برد و چند بار با همان زمین می‌خورد. این روزها برای پسرخاله روزهای سختی است. تقریباً چیزی از لگن خالص‌هاش نمانده! بیشتر استخوان‌هایش خرد شده و جایش را پلاتین گرفته. ضربات محکمی که با خوردن به زمین به سرش وارد شده نود درصد بیماری‌اش را گرفته. حتی نمی‌تواند درست و حسابی راه برود اما همچنان علاقه عجیبی به زمین خوردن دارد. خدا اموات شما را بیمارزد، البته پسرخاله هنوز زنده است...

رضا عیوضی

بررسی روزنامه‌های صبح ایران

حالا حالاها خورشید!

مجرى: خب! به نام خدا، سلام عرض می‌کنم خدمت همه شما بینندگان عزیز برنامه حالا حالاها خورشید که ساعت ۷ صبح از خواب بلند شدید برنامه ما رو ببینید و دوباره برگردید به رختخواب‌هاتون، هار هار هار. در این برنامه طبق روال قبلی با بررسی روزنامه‌های صبح ایران می‌خواهیم آنتن زنده تلویزیون رو چند ساعتی اشغال کنیم و با هم بگیم و بخندیم.

راستی! قبل از هر چیزی خدمت‌تون بگم که بنده امروز همه روزنامه‌ها رو که بررسی می‌کردم، متوجه شدم قیمت دلار از مرز ۷ هزار و خرده‌ای تومن رد شده. برای همین تماسی با رئیس دولت گرفتم و از ایشون پرسیدم خیال‌مون بابت دلار راحت باشه؟ ایشون البته خواب بودن و اطرافیان‌شون گفتن حدود ۹ از خواب پامیشن، ولی مطمئن باشید اگر بیدار بودن، حتماً می‌گفتن که بله خیال‌تون از بابت دلار و همه‌چیز دیگه راحت باشه.

خب! حالا که دیگه خیال‌مون از بابت دلار راحت شده بریم سراغ بررسی روزنامه‌ها و ببینیم که نسبت به کشتار و قتل عامی که صهیونیست‌ها دیروز توی قدس راه انداختن چه واکنشی نشون دادن.

همون‌طور که خبر دارید دیروز چیزی در حدود ۷۰ زن و کودک و جوان فلسطینی شهید شدن و این اتفاق توی تمام دنیا تا حالا واکنش‌های زیادی رو برانگیخته.

با روزنامه

آفتاب شروع می‌کنیم. این روزنامه با تیتر درشت «کشتار بی‌حد» تیتر یک خودش رو اختصاص داده به کشتار فلامینگوها در تالاب انزلی توسط شکارچیان غیرقانونی و از مسوولان محیط زیست کشورهای ۵۰۱ خواسته این مساله رو به‌صورت جدی مورد پیگرد قرار بدن. تیتر دوم این روزنامه هم به پایین اومدن نرخ دلار اشاره کرده و گفته که اگر رئیسی می‌اومد الان تو تحریریه روزنامه دیوار کشیده بودن.

روزنامه هفت صبح با به تیتر جذاب روی صفحه اول منتشرشده: «غرش قدس». این روزنامه در توضیح این تیتر اشاره به شنیده شدن صداهای وحشتناک از سمت قدس کرده و در ادامه مطلب گفته که احتمالاً دیشب توی قدس تگرگ می‌یاریده.

روزنامه آرمان با این تیتر امروز خودش رو آغاز کرده: «تاگفته‌های مرحوم از انتقال سفارت آمریکا به قدس»

در توضیح این تیتر اومده: یک بار که محافظ‌ها سنگ آورده بودند، دیدم سنگش خوب برشته نشده. از آن‌موقع به بعد گفتم دیگر از سنگی بغل‌دست سفارت آمریکا سنگ بخرند. مال آنها خوردن دارد...

روزنامه شرق هم با تیتر درشت و جالب: «من هم یک اسرائیلی کثیف هستم» به موضوع دیروز پرداخته و در ادامه مطلبش نوشته که در حادثه دیروز قدس چندین نظامی عیالوار اسرائیلی، مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. شرق در ادامه گفته برای همدردی با خانواده‌های این نظامیان این تیتر رو انتخاب کرده.

مهدی حصارکی

سوسول بازی

نرخ تورم در فروردین کاهش یافته و به میزان ۸/۱ درصد رسیده است. به میان مردم می‌رویم تا نظرشان را درباره این موضوع جویا شویم.

■ شهروند حاضر در پارک در حال بازی باسگش

+ سلام! کاهش تورم چه تأثیری در زندگی شما داشته است؟

- کاهش؟! والا برای ما که افزایش یافته است.

+ چطور؟

- الان چند روزی است دچار چنان تورم معده‌ای شده‌ام که نگو و نپرس! دکتر گفته باید هر یک ساعت یک چیزی بریزم داخل معده‌ام، اگر نه از شدت تورم می‌ترکد و همه جا را معده‌ای می‌کند. دکتر گفت اگر مراعات کنم تا یک ماه آینده خوب می‌شوم.

■ شهروندسلبریتی

+ بیخشید...

- آقا ما غلط کردیم به روحانی رأی دادیم. غلط کردیم برای ایشان تبلیغ کردیم و دیگران را به رأی دادن تشویق کردیم. دست از سر ما بردارید. جان

مادرتان بیخیال!

+ این موضوع که سر جایش؛ ولی بحث ما چیز دیگری بود. می‌خواستیم نظر شما را درباره کاهش نرخ تورم بپرسیم؟

- برو خودت را مسخره کن. قیمت عوارض خروج و دلار و تخم‌مرغ را ببین بعد مصاحبه کن.

■ شهروندعمولی

+ شما از کاهش نرخ تورم خبر دارید؟

- واقعا؟! خدایا شکر.

+ امکان دارد بیشتر توضیح بدهید؟

- بله! کل خرید من در این ماه یک خامه عسلی، ۳ عدد تخم‌مرغ و ۵ نان بربری ساده برای خانه بوده است. الان با این کاهش تورم می‌تونم بگویم ۲ تا از نان‌ها را برام خشکاشی بزنند...

■ شهروند توپ تکانش نمی‌دهد

+ آیا کاهش نرخ تورم در زندگی شما اثر گذاشته است؟

- خیر! این قرتی‌بازی‌ها تأثیری روی ما ندارد. نرخ ارز هم کاهش یافته؟

+ خیر! این سوسول‌بازی‌ها هم به ما نیامده.

هوش و بینایی



این دو تصویر چه تفاوتی با هم دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، علاوه بر هوش، به شناسنامه خود نیز نیاز خواهید داشت!



پاسخ هوش و بینایی

هیچ فرقی ندارند!

هماهنگ

بز نیم به تحریم

فاز دوم عمل‌گرا (یا Pragmatic)

۲

تحریم هماهنگ

(Hamahang Tahrim): همزمان با تحریم اشخاص و نهادهای مختلف از سوی اروپایی‌ها، ایران هم این اشخاص را از طریق ابزاری چون FATF و... تحریم نماید. بنابراین مهم‌ترین ابزار آنها یعنی سلاح تحریم، در دست ماها می‌افتد.

۳

راهبرد سوم دیپلماسی

عزتمندانه (Ezzat Diplomacy):

در صورتی که دو راهبرد قبلی پاسخ ندهد، باید از تاکتیک دیپلماسی «پیروزی با واسطه‌ها (Win With)» استفاده کنیم. این راهبرد به این صورت است که برای اینکه شروط خود را به طرف مقابل تحمیل کنیم، چیزی را که چشم طرف مقابل را بگیرد می‌بریم و به او می‌دهیم. بعد از مدتی ممکن است طرف مقابل دلش به رحم آمده و تحمیل شدن در مقابل شرایط ما را بپذیرد. البته اگر راه نیامد باید در سیاست های خود بازنگری کرده و این بار هدیه‌ای بهتر تقدیم کنیم.

راهبرد

کم‌محلی نمودن (Kam_mahlization Strategy):

در این راهبرد، دولت ایران خودش را به آن راه می‌زند که انگار نه انگار برجام ناپود شده است. در این راهبرد ایران مثل سابق به تعهدات برجامی خود (مانند برچیدن زیر ساخت های هسته‌ای، بتن‌ریزی راکتورهای آب سنگین، اخراج دانشمندان و ...) البته با سرعت بیشتر ادامه می‌دهد تا وانمود کند این اقدام اروپایی‌ها پشیزی ارزش نداشته و اصلا اتفاق مهمی رخ نداده است.

فاز اول واکنش راهبردگرا (یا تاکتیکی)



محمدعباسی

نگیم دلار
نگن دلار!

چندی پیش نامی از طرف معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور ارسال شد و از آنان خواسته شد: زین پس به جای واژه غلط و نامأنوس و چرت و پرت و دروغین «ریزگرد» از واژه مأنوس و نام آشنا و صحیح «گردوغبار» استفاده کنند. همان زمان و با این کار، بخش مهمی از مشکلات حوزه محیط زیست حل شد پس در همین راستا پیشنهادهایی برای حل دیگر مشکلات کشور ارائه می‌دهیم:

- ۱- نگوییم «دلار» بگوییم «چرک کف دست فرنگی»
- ۲- نگوییم «ختلاس» بگوییم «موقوفه غیرقابل برگشت»
- ۳- نگوییم «واردات بی رویه کالا» بگوییم «صادرات کیلویی پول»
- ۴- نگوییم «قاجاق» بگوییم «واردات با پشتوانه»
- ۵- نگوییم «پاره شدن برجام» بگوییم «کم شدن شر»
- ۶- نگوییم «کاهش قدرت خرید» بگوییم «افزایش قدرت قناعت»
- ۷- نگوییم «رکود» بگوییم «سکنه خفیف اقتصادی»
- ۸- نگوییم «فیلتر» بگوییم «زورده ممنوع به جز هیات دولت»
- ۹- نگوییم «زن خوب» بگوییم «کروموزوم سالار»

سمیرا قره داغی

راه‌راه

از متن سخنرانی ایوانکا ترامپ در مراسم افتتاحیه سفارت

همخوانی امیال احشام
و مصوبه کنگره و مرض بابا

نامحسوس موضوع بحث را عوض کنند. اما متأسفانه ملت‌ها و معترضان انقدر سرانگشت شست و سیبانه را به هم می‌چسباندند سواد تاریخی ندارند که بفهمند این بابای ساده‌لوح ما که طفلی سرخود عین خر سرش را نینداخته پایین بیاید اینجا. فی الواقع سال ۱۹۹۵ انتقال سفارت توی کنگره تصویب شده بود و معلوم نیست چرا یک اسباب‌کشی ساده تا امروز الکی کش پیدا کرد. حالا آن‌همه نماینده تصویب‌کننده‌اش، و همه رؤسای جمهور تعلیق‌کننده‌اش، همه از دم تمدن باکلاس بودند و فقط بابای ماست که توله سنگ است؟ این حرف است که شما می‌زنید؟ ۶۰ جنگ و ۲۰ میلیون تلفات جهانی جنگ‌های آمریکا، همش کار بابای ماست که این جوری نگاه می‌کنید؟

گیرم وسط معرکه یک شصت نفری زیر دست و پا له شدند که مهم نیست. بعدا توی تاریخ اول راهنمایی درباره‌اش بنویسید...

یک سری آدم عقب‌مانده فکر کرده‌اند چون در سفر قبلی، آقایان بشکه سعودی عین جغد به ظاهرم توجه می‌کردند، بابایم می‌گوید: «لازم نکرده تو بری». اما باید بگویم آن دولت دموکرات که می‌شله اجازه نمی‌داد دخترش یک پیج در اینستاگرام داشته باشد تا عکس‌های اردوی آخر هفته را بگذارد توش، دیگر رفته است. و ما خیلی متوجه خواسته‌ها و نیازهای احشامان هستیم و خیلی سرمان می‌شود. لذا بابام گفت: «برو، کار خودته»

این پروفیسور نتانیاهو هم که -حالا من نمی‌گویم شبیه رئیس جمهور کدام کشور منطقه!- دکترای انحراف افکار عمومی است. تا دید برنامه فساد اقتصادی خودش و فساد اقتصادی همسرش و فساد اقتصادی پسرش و فساد اقتصادی کس و کارش بیخ پیدا نموده، همچنین که زن عمو گفت: «میرم خونه بابام، دق کنی از تنهایی» بغلش را به‌روی سفارت جدید بابام واکرد تا خیلی

مینا گودرزی

وعده

دادی به همه شبیه بلبل، وعده حالا زده توی چشمان زل، وعده تقویم تو را ورق زدم از دم بود نام همه سال‌هایش عام‌الوعده

سارا رمضانی

من چنارم

اگر گریه بمیرد داغدارم
پر از گریه چنان ابر بهارم
ولی در غزه صدها تن بمیرند
به من ربطی ندارد، من چنارم

برهان طبسی

واردات ماله‌کش

یکسره از چین کلنگ و بیل و کش وارد کنند یا برای رنگ کردن زنگ و منش وارد کنند هیچ بدیختی که پاسخگوی این اوضاع نیست باید از اقصادی خارج ماله کش وارد کنند

امیر معظمی

فقط یک‌ماه

یک ماه ننوشید و جوانی ننمایید
با حضرت ابلیس تبنانی ننمایید
دانشجوی محترم! اگر ممکن هست
در ماه خدا چشم چرانی ننمایید

محمدرضا درخشان

وعده‌شیخ

از پنجره می‌وزد هوای رمضان
باز آی که بی تو بنده بیمارم افان
یک مشت هوا وعده به ما دادی شیخ
لبریز شده وعده افطارم از آن!

استخدام

ملا لفتی

ترجیحا نمره نیاز به تلاش بیشتر
جهت تغییر واژه های ناکاربردی
روابط عمومی سازمان محیط زیست

کارمند ثبت احوال

حافظ را از برون اعتصابی تشخیص دهد
جهت تغییر تابعیت شعرا
«انجمن ادبی کشورهای دوست»

افطاری دعوت کن

قابلیت پذیرایی بالای ۵ خانوار
دستپخت مناسب
جهت شاد سازی خانواده ایرانی

تور مناسبتی

تور ایران گردی

درجه: ۱: هرشب یک استان
درجه ۲: سه تا ۹ شب حومه شهر
+صبحانه، نهار و شام
ویژه معتقدین معذور

بازدید از کتابخانه دانشگاه

ظرفیت: خیلی محدود
+ بالشت و پتو اضافی
از پذیرفتن افرادی که
خرناس میکشند معذوریم

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ف	ر	و	د	ک	ا	ه								۱
ر	و	ح	و	ر	و	ا	ن							۲
د	ز	ی	ر	ه	ک	ر	د	و	غ	ب	ا	ر		۳
و	ه	د	م	ا	د									۴
س	خ	ج	س	ا	ب	ش	ش	ت	و	ه	م			۵
ی	و	ل	ف	ر	ن	ی								۶
ا	ی	ک	ر	گ	خ	و	ب							۷
ر	ل	ر	ع		ب	ی	م	ا	ر					۸
ر	ی	ی	س	ش	و	ر	ا							۹
و				ق	ل	ق	ل	ق	ا	ف				۱۰
ا	ک	ی	ش	ا	ی	م	ی	ن	س	ی	ا			۱۱
ن	د		د	د	ر	ل		ه	ک	ت	ه			۱۲
س	ل	ب	ر	ی	ت	ی	ه	ا		ت	ی			۱۳
ر	ا	س	و	ش	و	ش	و	ن	ه		خ			۱۴
ر	س	ف	ر	ه	ا	ف	ا	ط	ا	ر				۱۵

امیر حسن محمد پور

کلت شو

اخیراً سازمان محیط زیست طی نامه ای از وزارت بهداشت خواسته زین پس به جای واژه «گرد و غبار» استفاده شود.

در پی این اقدام، موج کثیری از هموطنان در مقابل سازمان محیط زیست گردهم آمدند و با اهدای تاج گل، از رئیس این سازمان به خاطر آگاه سازی مسوولان و جامعه، قنردانی کردند. یکی از گردهمان! درحالیکه به پهنای صورت اشک می ریخت گفت: ما امروز فهمیدیم که قبل از این اشتباهی نفس می کشیدیم و به جای گرد و غبار، ریزگرد را وارد ریه و شش خود می کردیم.

سوال که دلیل این نامه نگاری و اصلاح واژگان چه بوده است، گفت: بالاخره مردم که از این آلودگی تلف خواهند شد. اما بدانند از چه می‌میرند بهتر است یا ندانند از چه می‌میرند؟! بنابر گزارش برخی منابع غیرموقت، خودروسازی سایپا نیز از راهنمایی و رانندگی خواسته از این به بعد به جای «ضعف بدنه»، علت کثلت شدن سرشینیان برآید در تصادفات درون شهری با سرعت ۱۰ کیلومتر در ساعت را، «شدت ضربه وارده» اعلام کنند.

امید است به زودی و با استعانت از همین فرمول فوق علمی، سایر دلایل اشتباه مرگ و میر نیز اصلاح شوند و همه را به خاک بسپاریم.

با ما بتماسید!

رایانامه: info@rahrahtanz.ir

سروش: tanzym_ir

ایتا: tanzym_ir

بله: tanzym_ir